



An Explanation of the Role of Intention in Moral Values According to Mulla Sandra

Masouma Sadat Sari Arefi*

Jahangir Masoudi**

Received: 31/07/2018 | Accepted: 16/12/2018

Abstract

This article seeks to study the role of intention in moral values according to Mulla Sandra. Based on this, several hypotheses in regards to this topic according to Mulla Sandra will be presented. These hypotheses will be analyzed in the following questions: according to Mulla Sandra, does intention play a role in the valuation of the moral act? Supposing that Mulla Sandra accepts that it does, can this role also extend to the moral agent? Does he believe in the one-dimensional, and in other words, the one-way role of intention in the valuation of the moral act and agent? Or, based on Mulla Sandra's philosophical foundations and statements, can different yet alternate explanations be offered in regards to the valuation of the moral act, agent and intention? In keeping with these questions, the author first seeks to analyze the essence of intention and value according to Mulla Sandra and then to analyze the role of intention in four levels based on Mulla Sandra's expressions. Ultimately, the chosen view is the mutual and continuous effect of moral intention, act and agent in valuation of each other albeit in different levels and dimensions.

Keywords

intention, will, Mulla Sandra, moral value, act, knowledge.

* PhD candidate of Transcendental Philosophy, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (corresponding author) | m-sariarefi1367@mail.um.ac.ir

** Associate Professor, Department of Islamic Philosophy, Ferdowsi University, Mashhad, Iran | masoudi-g@um.ac.ir



تبیین نقشِ تیت در ارزش اخلاقی از منظر ملاصدرا

معصومه سادات ساری عارفی*

جهانگیر مسعودی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۵

چکیده

این نوشتار به بررسی نقش تیت در ارزش اخلاقی - از منظر ملاصدرا - می‌پردازد. بر این اساس، چند فرض در رابطه با نقش تیت در ارزش اخلاقی - از منظر ملاصدرا - مطرح می‌شود. این فرض به این صورت، تحلیل می‌شوند که آیا تیت از منظر ملاصدرا، در ارزش‌دهی به فعل اخلاقی نقش دارد؟ بر فرض که ملاصدرا این نقش را پذیرفته باشد، آیا این نقش را می‌توان به فاعل اخلاقی هم تعمیم داد؟ آیا دیدگاه او نقش یک‌جانبه و به عبارتی یک‌سویه تیت در ارزش‌دهی به فعل و فاعل اخلاقی است؟ یا این که می‌توان بر اساس مبانی فلسفی و عبارات ملاصدرا، تبیین‌های متفاوت و در عین حال، متقابلی از ارزش‌دهی در نسبت فعل، فاعل و تیت اخلاقی مطرح کرد؟ نگارنده، در مقام پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا به تحلیل چستی تیت و ارزش از منظر ملاصدرا می‌پردازد. سپس به تحلیل نقش تیت در چهار مرحله، بر اساس عبارات صدرالمتألهین شیرازی، پرداخته می‌شود. نهایتاً، نظر مختار، تأثیر متقابل و مستمر تیت، فعل و فاعل اخلاقی در ارزش‌دهی به یکدیگر در سطوح متفاوت است.

کلیدواژه‌ها

تیت، اراده، ملاصدرا، ارزش اخلاقی، عمل، علم.

* دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) | m-sariarefi1367@mail.um.ac.ir

** دانشیار گروه فلسفه حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران | masoudi-g@um.ac.ir

۱. مقدمه

نقش نیت در ارزش اخلاقی با فهم عرفی در قضاوت‌های اخلاقی خود، سازگار است. متون دینی و روایی نیز در گزاره‌های گوناگون خود به تحلیل و تبیین تأثیر نیت در جوانب و ابعاد گوناگون پرداخته‌اند. افزون بر این، فلاسفه و متکلمان مسلمان در آثار گوناگون به تحلیل و تبیین تأثیر نیت در روند ارزش‌دهی اخلاقی پرداخته‌اند. با وجود این توافق عام، به نظر می‌رسد که تحلیل این مبحث در آثار ملاصدرا نیز پرسش‌هایی پیش رو می‌نهد که نیازمند بررسی دقیق‌تر است. نخست این که آیا نقش نیت در ارزش اخلاقی از منظر ملاصدرا، قابل ارزیابی در سطوح و لایه‌های مختلف اعم از تأثیر در فعل، فاعل، هردو و یا فروض دیگر است؟ یا این که باید تنها به یکی از این ابعاد در تأثیر نیت بسنده کرد؟ ثانیاً، در فرض نخست، آیا می‌توان میان این سطوح و لایه‌های گوناگون، نقش تأثیری و تأثیری در ارزش‌دهی فرض کرد و به این واسطه به فروض جدیدی در تحلیل نقش نیت در ارزش‌دهی اخلاقی دست یافت؟ هر کدام از این فروض مؤیداتی از عبارات مختلف ملاصدرا دارد.

۲. مفهوم‌شناسی**۲.۱. تعریف و تحلیل نیت**

در رابطه با ماهیت و حقیقت نیت در آثار و عبارات ملاصدرا، چند احتمال مطرح می‌شود:

۱. در یک تحلیل به این مضمون، «نیت عبارت است از مرحله پیش از اراده فعل که در ساختار مبادی فعل اختیاری بعد از مراحل چون تصور، تصدیق، شوق و حکم قلب، مقدمه ایجاد فعل اختیاری به حساب می‌آیند. بنابراین، فعل همراه با نیت، همان فعل ارادی به‌شمار می‌رود که در مقابل فعل اجباری و غیر ارادی قرار می‌گیرد» (رهنما، ۱۳۹۰، ص ۵).

مؤید این تحلیل عبارات ملاصدراست که در ساختار مبادی فعل اختیاری به تحلیل نیت می‌پردازد. او در عبارتی به این مضمون، «بعد از مراحل خاطر، شوق و حکم قلب بر انجام فعل، مرتبه چهارم را تصمیم و قطع نیت بر توجه به فعل می‌داند که «همت و قصد» نامیده می‌شود. این همت مبدأ ضعیفی است، اما زمانی که قلب به خاطر توجه می‌کند و این همت مؤکد می‌گردد و به اراده قطعی تبدیل می‌شود، چه بسا مرتکب عمل شویم و یا عارضی موجب توقف عمل شود» (ملاصدرا، ۱۳۶۳، ص ۲۱۵).

همان گونه که مشهود است، ملاصدرا در این عبارت تصویری تشکیکی از تیت و اراده نیز ارائه می‌دهد و تفاوت این دو را در ضعف و شدت همّت و قصد می‌داند. به عبارت دیگر، تیت در مرتبه پیش از توجه قلب، تأکید همّت و یا اراده قطعی است.

۲. می‌توان حقیقت تیت را هماهنگ با تحلیل نخست، در ساختار مبادی فعل اختیاری به صورت دیگری نیز تبیین کرد که عبارت است از «مرحله عزم نسبت به انجام فعل، به عنوان مرحله‌ای که منجر به انتخاب یک طرف و تحریک عضلات در جهت انجام آن طرف و سپس انجام فعل می‌شود؛ در مقابل فعلی است که از روی تردید و شک صادر می‌شود» (رهنما، ۱۳۹۰، ص ۵). به اعتقاد ملاصدرا:

حرکات اختیاری مبادی مترتبی دارند که در رأس آنها قوای خیال، وهم و عقل قرار می‌گیرند. عقل عملی واسطه انجام حکم این قواست. در مرتبه بعد از قوای علمی، قوه شوق قرار دارد که بر قوای محرک فاعلی تسلط دارد. سپس اراده و کراهت قرار می‌گیرند که مبدأ عزم‌اند و بعد از تردید در فعل و ترک در صورت وجود مرجح، تصمیم بر انجام یک طرف می‌گیرد (ملاصدرا، ۱۴۲۲، ص ۲۴۰؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۲۳۳؛ ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۱۸۹).

در این عبارات هرچند ملاصدرا تیت را در ساختار مبادی به کار برده است، اما در عبارات دیگر خود، «محصول قوای علمی را، خاطر می‌نامد که صورتی علمی است. خاطر رغبت را و رغبت عزم و تیت را و تیت اعضاء را تحریک می‌کند» (ملاصدرا، ۱۳۶۳ الف، ص ۱۵۴-۲۱۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ اب، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۲۲۰-۲۲۷). همان گونه که مشهود است، ملاصدرا در این عبارت تیت و عزم را در کنار هم به کار برده است که در کنار عبارت قبلی اراده به ترک یا انجام فعل، مبدأ آن است. حتی بنا بر این عبارت، می‌توان تیت را همان اراده دانست. البته، تبیینی که می‌توان با توجه به مجموع دو تحلیل ملاصدرا ارائه داد این است که تیت عبارت از همّت و قصدی است که درجه شدت و ضعف آن در منجر شدن به انتخاب، بنا بر عبارات گوناگون فرق می‌کند، اما از عوامل قریب منجر به انتخاب یک طرف فعل و ترک است که در صورت عدم مانع بیرونی، فعل برآیند این تیت محقق می‌شود.

۳. در تحلیل دیگر، «حقیقت تیت اراده به صورت کلی نیست، بلکه عبارت است از میل و شوق به انجام فعل که مؤلفه میانی در ایجاد اراده به شمار می‌آید. در نتیجه، فعل فاقد تیت؛ یعنی

فعل اِکراهی که در اثر فشار روانی بیرونی از فاعل سر می‌زند» (رهنما، ۱۳۹۰، ص ۵).
 به نظر می‌رسد، مؤید این تحلیل همان عباراتی از ملاصدراست که تصویری تشکیکی از نسبت اراده و یت در ساختار مبادی فعل اختیاری ارائه می‌کند. او در عبارتی «بعد از مراحل خاطر، شوق و حکم قلب بر انجام فعل، مرتبه چهارم را تصمیم و قطع یت بر توجه می‌داند که همت و قصد نامیده می‌شود. همت مبدأ ضعیفی است، اما زمانی که قلب به خاطر توجه می‌کند و این همت مؤکد می‌شود و به اراده قطعی تبدیل شود، چه بسا مرتکب عمل شویم و یا عارضی موجب توقف عمل شود» (ملاصدرا، ۱۳۶۳، ص ۲۱۵). در واقع، با توجه به نقش فعال قلب در ساختار مبادی فعل اختیاری، می‌توان این ساختار را معلول بینش جهت‌دار و رو به تشدید قلب که حالت گرایش‌یافته، دانست و یت را به عنوان تصمیم و همت ضعیف قلب همان حالت شوق مؤکد دانست که اراده نیست، بلکه انگیزه‌ای قطعی است که سبب حصول اراده است.

۴. از طرف دیگر، ملاصدرا در تعبیری عام که فراهم‌کننده زمینه تحلیل‌های قبلی در ساختار مبادی فعل اختیاری و نیز تحلیل بعدی است، «یت را به عنوان فعل قلب و امری غیر محسوس مطرح می‌کند» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۱، ص ۱۷۶؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳، ص ۲۱۵).

۵. در تحلیلی دیگر می‌توان این‌گونه لحاظ کرد که «ماهیت یت عبارت از در نظر گرفتن و لحاظ غایت و غرض فعل هنگام انجام آن است» (رهنما، ۱۳۹۰، ص ۶). به نظر می‌رسد که عباراتی از ملاصدرا که تعبیر یت خالص و صادق را به کار می‌برد به این وجه اشاره می‌کند. برای مثال، او در برخی عبارات خود، «ملاک صحت عمل انسان را، یت خالص و توجه کامل به معبود می‌داند. به دلیل این‌که از دیدگاه او، عمل بدون یت خالص مانند جسد بدون روح و بذر بدون میوه است» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ ج ۴، ص ۶۲؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۴۳۶؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۳۱؛ ملاصدرا، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱۳۰؛ ملاصدرا، بی‌تا، ص ۵۵). «خلوص فعل از منظر ملاصدرا زمانی است که هدف فعل تقرّب به خدا باشد که تعبیری ناظر به غایت و غرض فعل است» (ملاصدرا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۰۴-۳۸۲؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۹۰).

همچنین از منظر او «وقتی که اعمال با یت صادق تکرار می‌شوند، آثار در نفس مستحکم و احوال تبدیل به ملکه می‌شوند که سبب صفای روح گوینده و صدور سهل فضایل می‌شود» (ملاصدرا، ۱۳۷۱، ص ۸۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ ج ۴، ص ۳۷۶؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۶، ص ۲۲۷). «صدق یت نیز ناظر به غرض فعل است که نشان می‌دهد، انسان تنها به تصور و تصدیق به حسن فعل

بسنده نکرده و در مقام تحقق عینی تصورات خود نیز تلاش کرده است» (رهنما، ۱۳۹۰، ص ۶). صرف نظر از پنج تحلیلی که در رابطه با چیستی نیت از منظر ملاصدرا گذشت، به نظر می‌رسد تحلیل چهارم و پنجم به نحو مستقیم به بحث ارزش‌دهی نیت که از عبارات ملاصدرا برداشت می‌شود، مرتبط‌اند. علت این مطلب، تفکیک و تمایز نهادن میان دو معنای نیت است؛ کاربرد اول در ساختار مبادی فعل اختیاری مطرح می‌شود که در این ساختار، نیت، تحلیل‌های متنوعی می‌پذیرد که البته، در فرآیند چگونگی ساخت فعل اختیاری است که اعم از فعل اخلاقی است. کاربرد دوم نیت در خصوص فعل اخلاقی و انگیزه‌های محرک فاعل اخلاقی در ساخت این فعل، مطرح می‌شود. این معنا که مقاله در صدد تبیین نقش ارزشی آن در سطوح مختلف است، اولاً با تحلیل چهارم که نیت را فعل قلب یا نفس ناطقه می‌داند، مرتبط می‌شود، به دلیل این که همین انگیزه‌های محرک، قلب را شکل داده‌اند و قلب به فاعل مؤثر در ساخت انگیزه‌های آتی و متصف‌کننده این انگیزه‌ها به حُسن و قُبْح بدل می‌شود. ثانیاً، با تحلیل پنجم مرتبط می‌شود که نیت نمایان‌گر غرض و به عبارتی انگیزه فاعل در فعل اخلاقی است.

۲.۲. ارزش

مقصود از ارزش در این مقاله، بر اساس عبارات ملاصدرا، حُسن و قُبْح و خیر و شر است. ملاصدرا ماهیت این صفات را که سنجش‌گر افعال و افکار انسانی است، به سه صورت تفسیر می‌کند: (۱) سازگاری و ناسازگاری با فطرت اصلی؛ (۲) ستایش و نکوهش فاعل توسط شریعت و قوانین الهی؛ (۳) ستایش و نکوهش فاعل توسط عقل (ملاصدرا، ۱۳۸۱، ص ۱۵۰-۱۵۲؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳، ص ۱۵۴-۲۱۴؛ ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، الف، ج ۵، ص ۲۲۰-۲۲۷). برای مثال، یکی از مؤیدات تفسیر دوم از میان عبارات ملاصدرا این است که «او صورت علمی را، به دو قسم إلهام و وسوسه تقسیم می‌کند که به سوی خیر و شر فرامی‌خوانند. در همین راستا سبب ایجادکننده إلهام و وسوسه به عنوان دو فعل حادث، فرشته و شیطان نامیده می‌شود و قلب انسان، دائماً در معرض تأثیر این علل متغیر قرار دارد» (ملاصدرا، ۱۳۶۳، الف، ص ۱۵۴-۲۱۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، الف، ج ۵، ص ۲۲۰-۲۲۷). البته، در اینجا می‌توان معنایی ترکیبی از سزاوار ثواب و عقاب و موجب کمال و نقص بودن برای

نفس را نیز از منظر ملاصدرا - به عنوان معیار دیگری جهت تبیین حُسن و قُبْح - در نظر گرفت. در واقع، این معیار بر اساس مبنای تجسم نیت و اتحاد عاقل با معقول مطرح می‌شود. تفصیل مطلب به این صورت است که با توجه به مبنای ملاصدرا در اتحاد نفس با معقولات، هیئات، ملکات و سیوروت آن در عوالم، نفوس دارای حقایق گوناگونی می‌گردند (ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۳۶؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳ اب، ص ۵۴۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۶، ص ۱۱۲).

بنابراین، اگر «حسن و قبح را به معنای معیاری که کمال و نقص نفس را در سیوروت‌های وجودی خود تعیین می‌کند، در نظر بگیریم و در ثواب و عقاب، نظریه تجسم نیت و ملکات حاصل از معارف باطنی و افعال ظاهری را بپذیریم، ثواب و عقاب انسان، تجسم همان اعمالی است که در دنیا انجام گرفته و نیت و ملکاتی است که در نفس ثبوت یافته و موجبات کمال و نقص نفس را فراهم آورده و در آخرت به صورت پاداش و کیفر تجسم یافته است» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ ج، ج ۴، ص ۳۷۸؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳ اب، ص ۶۴۸؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۶، ص ۱۱۲؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۹۳؛ ملاصدرا، ۱۳۶۳ الف، ص ۲۰۴؛ رهنما، ۱۳۹۰، ص ۸). این مطلب خصوصاً بر اساس تبیین ملاصدرا در نیت خالص که هدف فعل را تقرب به خدا می‌داند، به تناسب شائبه و خلوص نیت، نفس، کمال و نقص می‌یابد و بر اساس کمال و نقص نفس، ثواب و عقاب نیز به تناسب برای نفس مطرح می‌شود. به همین دلیل، ثواب و عقاب نیز بر مبنای کمال و نقص نفس، معیار دیگری برای تبیین حُسن و قُبْح از منظر ملاصدرا به شمار می‌روند.

۳. نقش نیت در ارزش اخلاقی

همان‌گونه که گذشت، ملاصدرا در برخی عبارات، «ملاک صحت عمل انسان را، نیت خالص و توجه کامل به معبود می‌داند» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ ج، ج ۴، ص ۶۲؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۴۳۶؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۳۱؛ ملاصدرا، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱۳۰؛ ملاصدرا، بی تا، ص ۵۵). از طرف دیگر، او نیت را فعل نفس می‌داند که بر مبنای حرکت جوهری نفس، مبنای اتحاد عالم و معلوم و تأثیر نفس از عوالم و صور حسی و عقلی و از طرف دیگر، تصریح او به از سنخ علم بودن نیت، فرض تأثیر نیت در حُسن فاعلی نیز مطرح می‌شود. ملاصدرا در این چینش آشکارا از احادیثی مُلهِم است که به نظر می‌رسد، مؤید تأثیر و نقش نیت در ارزش اخلاقی

است (ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۲۳۵).

برای مثال، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «یحشر الناس علی صُور نياتهم؛ حشر مردم بر نيات آن‌هاست» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۶، ص ۱۱۳). «یحشر الناس علی وجوه مختلفة؛ مردم به صورت مناسب با اخلاق و نيات مختلفشان محشور می‌شوند (ملاصدرا، ۱۳۶۶ ج، ج ۴، ص ۲۸۴؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱ م، ج ۹، ص ۵). در قرآن کریم نیز آمده است که «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ؛ هر کس بر پایه نیتش عمل می‌کند (سورة اسراء، آیه ۸۴).

همچنین به سخن پیامبر اکرم (ص) «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَنِيَاتِكُمْ؛ خداوند به چهره‌ها و اعمالتان نمی‌نگرد، بلکه به قلوب و نياتتان توجه می‌کند» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۴، ص ۳۸۶). همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هرکس اگر شبی عزم کند که بامداد آن مسلمانی را بکشد و اگر آن شب بمیرد و بر نیت خود مُصر باشد، حشر او بر نیت او باشد» (ملاصدرا، ۱۳۶۳ ب، ص ۲۱۶).

دو حدیث اول که از حشر و تجسم نيات گوناگون افراد سخن می‌گوید، به نحو صریح بر نقش نيات در حُسن و قُبْح فاعلی دلالت دارد که به نظر می‌رسد به دلیل اتحادی که نيات به عنوان یک فعل جوانحی و جوانب علمی انسان با نفس می‌یابند، ص‌یرورت و کمال و نقص نفس، بر این اساس توجیه می‌شود. البته، بر اساس تحلیل چگونگی نسبت نیت به عنوان یک فعل جوانحی و افعال جوارحی، می‌توان نکات دیگری نیز از این حدیث برداشت کرد.

به نظر می‌رسد حدیث دیگر که عمل را بر طبق نیت تبیین می‌کند، به نحوی به پیوند حُسن فاعلی و جهت‌دهی آن در چینش و ساماندهی افعال خیر و شر اشاره می‌کند. در حدیث چهارم از پیامبر (ص) نیز نیت را به عنوان یک فرآیند قلبی و بریده از فعل تصویر می‌کند که البته، این مطلب چه‌بسا به دلیل تأکید ارتباط قلب و نيات و اشاره به ماهیت آن است. همچنین در حدیث آخر با تصویر حشر بر اساس حُسن و قُبْح فاعلی صرف، آن را از ظهور فعلی بریده می‌کند.

۳.۱. تحلیل تأثیر نیت در فاعل اخلاقی

ملاصدرا در عبارتی، «نیت را فعل قلب و امری غیر محسوس می‌داند» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۱، ص ۱۷۶). «قلب یا نفس ناطقه، جوهری روحانی است که در میان دو عالم ملک و ملکوت قرار دارد. قلب، مانند آینه‌ای است که بر آن صور گوناگون وارد می‌شوند. محل ورود این صور متجدد یا

از حواس پنج‌گانه ظاهری و یا از باطن مانند خیال، فکر و شهوت، غضب و موارد دیگر است و این صور، محرک نیتند» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۲۱۸-۲۲۰؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۱۹۹).

در واقع، صور علمی در جایگاه علت نیت، بر مبنای اتحاد عالم و معلوم و حرکت جوهری، سبب ارتقا و حتی تنزل نفس می‌شود. ثبات نیز که معلول این صور و نشان‌دهنده بینشی جهت‌دار و رسوخ‌یافته و انگیزه‌های نفسانی‌اند، سبب تأثیر در ارتقاء و تنزل نفس و اتصاف آن به حُسن و قُبْح است. البته، چه بسا این عبارت ملاصدرا در معنایی اعم از فعل اختیاری و اخلاقی استفاده شود، اما با توجه به این که تحلیل چهارم نیت را تحلیلی اعم دانستیم که در هر دو ساختار کاربرد دارد، به دلیل این که نیت و انگیزه اخلاقی نیز در ظرف قلبی که متأثر از علوم است، رُخ می‌دهد، بنابراین، می‌توان این عبارت را در ارزش‌دهی اخلاقی کارا دانست. همچنین این عبارت در کنار عبارت بعدی که ثبات و اعتقادات را در کنار هم در ظرف قلب مطرح می‌سازد، می‌تواند مؤید استفاده از آن در ارزش اخلاقی باشد.

از طرف دیگر، از منظر ملاصدرا، «خداوند قلب را به گونه‌ای آفریده که از اعمال بدنی نیز متأثر می‌شود. به عبارتی، اعمال جوارحی مانند کشتِ بذرها در اراضی قلوب است و ثبات و اعتقادات پنهان در قلب به منزله بذری است» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ اب، ج ۱، ص ۴۵۹؛ ملاصدرا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۷).

ملاصدرا در این عبارت، عمل جوارحی را به نحو مستقیم در قلب از طریق شکل‌دهی به ثبات قلبی مؤثر می‌داند، اما در عبارت دیگر نحوه این تأثیرگذاری را توسعه می‌دهد و به این صورت توصیف می‌کند که «هر عملی به اثر یا حالی در نفس و هر حال در نفس به معرفت دیگر می‌انجامد» (ملاصدرا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۰۳-۲۰۴؛ ملاصدرا، ۱۳۷۱، ص ۸۸؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۲۳۵).

در همین راستا و تأیید نقش اعمال و ثبات در علوم که در نهایت، به حرکت و صیورورت قلب می‌انجامد، ملاصدرا علوم را به چند دسته تقسیم می‌کند و تنها علم خالص مطلق را بی‌نیاز از عمل و نیت تقریب افزون بر علم می‌داند، به دلیل این که «این علم عین تقریب به خداوند است» (ملاصدرا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۵۱-۲۲۴).

از دیدگاه ملاصدرا، «این علم، همان علوم شهودی است که معرفت خداوند، ایمان به او، صفات و افعالش است. این علم غایت‌نهایی است که لذاته طلب می‌شود و به واسطه آن به سعادت می‌رسیم، بلکه عین سعادت است. در مقابل این علوم، علوم عملی قرار می‌گیرند که به

خاطر اعمال بدنی و احوال قلبی اراده می‌شوند» (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۴۹۸).

چه‌بسا به دلیل همین دسته از علوم است که ملاصدرا، «علم را به شخصی روحانی تشبیه می‌کند که فضایل بسیاری دارد و قلب آن تبت خوب است» (ملاصدرا، بی‌تا، ص ۶۹). بنابراین، نیاتی که از طریق اعمال بدنی شکل گرفته‌اند، ابتدا به صورت یک حال بر قلب اثر می‌گذارند و از این طریق، جهت قلب را در جلب معارف متناسب با این احوال تنظیم می‌کنند.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که ملاصدرا در این عبارات، از یک طرف قلب یا نفس را به عنوان فاعل تبت مطرح می‌کند. این ترسیم، این سؤال را در پی می‌آورد که حُسن فاعلی که بر اساس تأثیر تبت فرد در فاعل اخلاقی تبیین می‌شود، بر اساس معلولیت تبت نسبت به قلب به عنوان فاعل اخلاقی چگونه تحلیل می‌شود؟ به نظر می‌رسد که پاسخ این اشکال از عبارات ملاصدرا آشکار می‌شود، به دلیل این که نفس از صُور حسی، خیالی، وهمی و عقلی و از طرف دیگر، اعمال جوارحی به نحو مداوم متأثر است. صُور حسی، خیالی، وهمی و عقلی یا خاطر در جایگاه فاعل این تبت قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، اعمال جوارحی نیز بنا بر صریح عبارت ملاصدرا، به قلب و تبت آن شکل می‌دهند. بنابراین، به نظر می‌رسد که فاعلیت قلب بیشتر به عنوان ظرف متأثر که باید از قوه به فعلیت سیر کند، مطرح می‌شود. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که ملاصدرا با توجه به مبنای جسمانی‌الحدوث و روحانی‌البقاء بودن نفس به چند منبعی بودن ورود صُور بر نفس و تأثر آن از اعمال بدنی و کنش مستمر ابعاد علمی و عملی حکم می‌کند که همین جوانب زمینه تحلیل‌های متفاوتی از تأثیر تبت در ارزش اخلاقی ارائه می‌دهد.

۲.۳. تحلیل تأثیر تبت در فعل اخلاقی

ملاصدرا در برخی از عبارات‌اش «ملاک صحت عمل انسان را، تبت خالص و توجه کامل به معبود می‌داند. به دلیل این که از دیدگاه او، عمل بدون تبت خالص مانند جسد بدون روح و بذر بدون میوه است» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۶۲؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۴۳۶؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۳۱؛ ملاصدرا، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱۳۰؛ ملاصدرا، بی‌تا، ص ۵۵).

از منظر او وقتی «اعمال با تبت صادق تکرار می‌شوند آثار در نفس مستحکم و احوال تبدیل به

ملکه می‌شوند. این روند سبب صفای روح گوینده و صدور سهل فضایل می‌شود» (ملاصدرا، ۱۳۷۱، ص ۸۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۷۶؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، الف، ج ۶، ص ۲۲۷). این عبارات ملاصدرا نمایانگر این است که تیت در خود فعل تأثیر می‌کند و سبب وصف آن به صحت و حُسن و قُبُح می‌شود. دلیل این نظر، تصریح خود اوست که «تیت روح عمل است و جسد بدون روح خاصیتی ندارد» در واقع، تیت خالص ناظر به هدف و غرض فعل است؛ زیرا خلوص تیت شرط صحت عمل است. نکته دیگری که باید توجه کرد این است که ملاصدرا در عبارات دیگر خود، «قوام عمل را به معرفت خدا و تیت تقرب به او می‌داند و در همین راستا، معتقد است که خداوند هیچ عملی را جز به واسطه علم نمی‌پذیرد و علم، فرد را به سوی عمل رهنمون می‌شود» (ملاصدرا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۰۴-۳۸۲؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، الف، ج ۵، ص ۹۰). این عبارت ملاصدرا به نحو صریح و روشن، علم و تیت و در مرحله بعد عمل را به هم پیوند می‌دهد. پیش شرط تیت تقرب به خدا، معرفت به اوست که این فرض را مطرح می‌کند که «تیت، به عنوان انگیزه، نمایانگر گرایش و تصمیمی است که خود نوعی فعل و ناشی و مترتب بر معرفت و علم است». خود این تیت به عنوان یک فعل درونی تعیین کننده رفتار بیرونی فاعل اخلاقی است.

بنابراین، باتوجه به مجموع عبارات پیش گفته از ملاصدرا می‌توان بین دو نحو تحلیل تفاوت قائل شد، «یک تحلیل که رابطه تیت و فعل را یک امر بیرونی می‌داند که تنها فعل جوارحی به تیت صادق و خالص متصف می‌شود» (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۹۱). در واقع، عمل نوعی فعل جوارحی است و تیت، تنها انگیزه‌ای درونی است که تنها جهت فعل و سمت و سوی دستیابی به آن را تعیین می‌کند. تحلیل دیگر نیز، بر پایه عباراتی است که «صراحتاً قوام عمل و روح عمل را تیت می‌داند که در این عبارات، سطحی بالاتر از نسبت تیت و فعل در نظر گرفته شده است». حال این که به چه دلیل قوام عمل به تیت و تیت روح عمل محسوب می‌شود، باید به تحلیلی دقیق‌تر توجه کرد که از پیوستگی رابطه عمل، تیت و علم می‌توان در عبارات ملاصدرا یافت، توجه کرد. او بیان می‌کند که «نسیمی از علم در عمل وجود دارد. به دلیل این که تیت در عمل معتبر است و تیت نوعی از علم است و گرنه نسبتی بین علم و عمل بدون تیت نیست» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، الف، ج ۵، ص ۲۳۵). این عبارت ملاصدرا، هویت تیت را از سنخ علم و معرفت می‌داند و آنرا عیناً وجه ارتباط ابعاد علمی و عملی و جهت‌دهی به عمل و اتصاف فعل به حُسن و قُبُح و صحت می‌داند. در واقع، تیت به عنوان حلقه اتصال علم و عمل، هم دارای وجهه بینشی است و هم وجهه گرایشی و این نکته نقش

اتصال‌دهندگی آن را توجیه می‌کند.

البته، باید به این مطلب توجه کرد که این عبارات ملاصدرا نیز همانند تحلیل سابق، ممکن است موهم تعمیم به فعل اختیاری باشد که با توجه به اختیاری بودن فعل اخلاقی و فرآیند توصیفی ملاصدرا بین سه رکن تبت یا انگیزه، علم و عمل ناچار به این نحو تحلیل ایم. ملاصدرا خود نیز در تحلیل تبت خالص و تشکیک تبت که در ادامه می‌آید، از چنین کاربردی بهره می‌برد.

نکته دیگر این است که به‌رغم تأکید ملاصدرا بر تبت خالص، صادق و توجه کامل به معبود که ملاک صحت عمل است. از طرف دیگر، او با توجه به نسبتی که بین علم و تبت حاصل از آن برقرار می‌کند، به این مسئله توجه دارد که «تبت خالص از آمیختگی اغراض نفسانی تنها برای حکما و عرفای کامل ممکن است.

به‌عبارتی، اخلاص تبت در تقرب به خدا از اعمال خاص قوه ناطقه است که تنها با مجاهدت کامل ممکن است. بنابراین، کسی که علوم الهی را دریافته باشد، نمی‌تواند تبت خود را خالص کند. حتی فرد عابدی که در عمل کامل کوشا و به ریاضت بدنی مشغول است، اگر از معارف یقینی نبوده و کوشش او همراه با علوم الهی که به کیفیت عمل متعلق است، نباشد، هنگام پرداختن به وظایف، خلوص تبت ندارد» (ملاصدرا، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰-۱۱۰).

او همچنین معتقد است که «جاهلان با استعمال صرف اذکار شرعی به خلوص تبت دست نمی‌یابند، زیراغرض اصلی از اعمال، پاکسازی قلب و توجه کامل به مبدأ است» (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۲۹۸-۴۳۶)، اما ملاصدرا از سوی دیگر، هماهنگ با تشکیک در علم، تشکیک در تبت را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و چنین تبیین می‌کند که «انسان مخلص بر اساس معرفت خود، انگیزه‌ای جز طلب قرب خداوند ندارد. هر عمل با بهره دنیایی که نفس بدان تمایل یابد، از خلوص خارج می‌شود، اما مراتب آمیختگی به لذات نفسانی دارای درجات مختلف است». او معتقد است «فردی که در عملش تنها قصد ریا دارد، مستحق کیفر می‌شود. همچنین اگر انگیزه دینی با انگیزه نفسانی مساوی باشند، یکدیگر را دفع می‌کنند و گویی عملی انجام نگرفته است. فرد بر حسب فرونی انگیزه ریا، مستحق عقاب می‌شود، اما عقاب این عمل سبک‌تر از عقاب عملی است که تنها به انگیزه ریا صورت می‌گیرد. به افزون بر حسب زیادی قصد تقرب نسبت به انگیزه دیگر، پاداش به آن تعلق می‌گیرد» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۶۶-۴۶۹).

۳.۳. تحلیل تأثیر نیت در فعل و فاعل اخلاقی

باتوجه به عبارات ملاصدرا که هم در جهت تأثیر نیت در فعل اخلاقی و هم فاعل اخلاقی قابل تحلیل است، این فرض، مطرح می‌شود که نیت هم در فاعل و هم فعل اخلاقی تأثیرگذار است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان نحوه تأثیرگذاری نیت در حُسن و قُبْح و خیر و شر را به نحو پیوسته و به عنوان واسطه ارتباط دهنده دو طرف فعل و فاعل اخلاقی تصویر کرد؟ یا این که با وجود تأثیر نیت این دو طرف از یکدیگر منفک و غیرمرتبطند؟ در این صورت نسبت فعل و فاعل اخلاقی به چه نحو تبیین می‌شود؟

با توجه به مجموع عبارات ملاصدرا در دو تحلیل پیش گفته، به نظر می‌رسد که تأثیر نیت در ارزش فعل و فاعل اخلاقی هیچ‌گونه توافری با یکدیگر ندارد، بلکه کاملاً به هم پیوسته است. با توجه به این که نیت یا انگیزه، معلول علوم و صور قرار می‌گیرند و از طرفی بنا به تصریح ملاصدرا:

نیت از سنخ علم است، بنابراین و باتوجه به هویت تکاملی نفس در اتحاد با علوم به عنوان مبدا نیات، باید نیات را درحسین فاعل اخلاقی مؤثر دانست. به عبارتی نفس یا قلب را به عنوان امری بالقوه در اتصاف به حُسن و قُبْح به واسطه علوم و نیات حاصل از آن به فعلیت می‌رسند (ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۲۳۵).

از طرف دیگر، نیتی که از مبادی علمی متأثر است، «خود به عنوان انگیزه و غرض، در صورت عدم موانع بیرونی، جهت‌دهنده به ابعاد عملی است و به همین دلیل است که روح عمل به‌شمار می‌رود» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ ج، ج ۴، ص ۶۲؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۴۳۶؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۳۱؛ ملاصدرا، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱۳۰؛ ملاصدرا، بی تا، ص ۵۵). البته، در واقع، قلب نیز به عنوان ظرف جامع نیات و محل شکل‌گیری نیات، در حُسن و قُبْح افعال نیز نقش دارد. بنابراین، نیت را باید در یک فرآیند پیشی و گرایشی متصل و نه منفک از یکدیگر در ارزش‌دهی به فاعل و فعل اخلاقی مؤثر دانست.

۳.۴. تحلیل تأثیر مستمر و متقابل نیت، فعل و فاعل اخلاقی

همان‌گونه که گذشت، عبارات گوناگون ملاصدرا بر تأثیر نیت در اتصاف فعل و فاعل اخلاقی به حُسن و قُبْح دلالت دارد، اما در کنار این عبارات، عبارات دیگر او بر تأثیر مستقیم فعل و فاعل

اخلاقی در ساخت نیت و شکل‌گیری هویت آن در روند کنش و واکنش مستمر فعل و فاعل اخلاقی دلالت دارد. در این صورت، فرض دیگری که آن تأثیر مستمر و متقابل نیت، فعل و فاعل اخلاقی در ارزش‌دهی متقابل به یکدیگر مطرح می‌شود که البته، تبیین میزان تأثیر هر یک در این فرآیند مستمر تکامل، تنزل و ارزش‌دهی اخلاقی نیازمند بررسی و دقت است.

تبیین تأثیر عمل در ساخت نیت اخلاقی به این نحو است که از منظر ملاصدرا، «انسان، قوه قبول تمام آثار را دارد. خارج شدن این آثار از قوه به فعلیت بستگی به مداومت بر اعمالی دارد که منشاء احوالی برای قلب می‌شوند. در واقع، هر عملی یا حالتی را برای قلب ایجاد می‌کند که سبب ظلمت قلب می‌شود و یا حالت نورانیت قلب را فراهم می‌سازد که موجب صفای نفس و تجرد آن از تعلقات شهوانی و غضبی می‌گردد» (ملاصدرا، ۱۳۸۱، ص ۸۱؛ ملاصدرا، ۱۳۷۱، ص ۸۵؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۹۴).

هنگامی که اعمال تکرار شوند، آثار این اعمال در نفس مستحکم و احوال حاصل از آن، تبدیل به ملکه می‌شود و اخلاق ایجاد می‌گردد که صورت نفسانی است که مبدأ آثار مختص به خود است و فعل مناسب با ملکه بدون درنگ صادر می‌شود. اخلاق و ملکات، صور جوهری هستند که نفس یا قلب، نیت و اعتقادات را شکل می‌دهند که خود، عامل سنجش اعمال قرار می‌گیرند (ملاصدرا، ۱۳۶۳ الف، ص ۲۰؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۳۰؛ ملاصدرا، ج ۶، ص ۱۲۸؛ ملاصدرا، ج ۴، ص ۳۰۳؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۳۴۵-۴۹۸).

در این عبارت، ملاصدرا در عین تصریح به تأثیر اعمال در شکل‌دهی به نفس و نیت، خود نیت را عامل سنجش اعمال می‌داند. به عبارت دیگر، هر فعل اخلاقی و یا غیر اخلاقی مستمر، عامل شکل‌گیری نیت قبیح و حسن متناسب با خود و تأثر نفس از این طریق است.

این عبارات، همچنین، به یکی از مجاری تأثر نفس ناطقه در عبارات ملاصدرا اشاره می‌کند که «خداوند قلب را به گونه‌ای آفریده که از بدن و اعضای آن به واسطه مواظبت بر اعمال متأثر می‌شود. به عبارتی، اعمال به منزله کشت بذرها در اراضی قلوب و نیت و اعتقادات پنهان در قلب به منزله بذر است» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ ب، ج ۱، ص ۴۵۹؛ ملاصدرا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۷). البته، تأثیر افعال جوارحی در شکل‌دهی به قلب و نیت آن با توجه به مبنای جسمانی‌الحدوث و روحانیه البقاء بودن

نفس، حرکت جوهری نفس و اتحاد نفس و بدن به نحو مستمر ادامه می‌یابد، اما باید به این نکته توجه داشت که تأثیر اعمال در شکل‌دهی به قلب و نیت در صورت مداومت بر عمل است. از طرف دیگر، «فاعل اخلاقی که همان قلب یا نفس ناطقه انسانی است، تحت تأثیر مداوم صور گوناگون و متجدد حسی، خیالی و وهمی و عقلی قرار دارد» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۲۱۸-۲۲۰؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۱۹۹) «این صور به عنوان محرک و جهت‌دهنده به نیت‌اند» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۲۱۸-۲۲۰؛ ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۱۹۹). یا به عبارت صریح‌تر، ادراک انسان هر چه باشد، مطلوب او هم در همان جهت ترسیم می‌شود. به عبارتی:

اگر ادراک، حسی باشد، مطلوب نیز حسی خواهد بود و اگر وهمی باشد، مطلوب وهمی خواهد بود. اگر ادراک عقلی باشد، مطلوب نیز مانند احاطه بر معقولات، عقلی خواهد بود و اگر ادراک الهی باشد، مطلوب نیز مانند عبودیت تام، ترک توجه به اغیار و رجوع به خداوند، الهی خواهد بود (ملاصدرا، بی‌تا، ص ۶۹).

باید به این نکته توجه کرد که با توجه به این که «قلب یا نفس ناطقه ظرف و محل حصول این صور متجدد و به نحو مستمر به واسطه اتحاد با این صور از قوه به فعل خارج می‌شود، به این اعتبار، فاعل نیت که از سنخ علم هستند نیز محسوب می‌شود». بنابراین، نیت اخلاقی، محصول مشترک علم و عمل و یا فاعل و فعل اخلاقی به حساب می‌آیند. علم و عملی که به تصریح ملاصدرا، مانند روح و جسد با یکدیگر همراه‌اند و تکامل می‌یابند (ملاصدرا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۰۳-۲۱۵؛ ملاصدرا، ۱۳۷۱، ص ۸۸؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۲۳۵). بر اساس این تکامل همگام نیز، شاهد پیدایش نیت اخلاقی متناظر با هر مرتبه از صیوریت نفس هستیم که حلقه اتصال فعل و فاعل اخلاقی‌اند.

حال، بر طبق عبارات ملاصدرا که در تحلیل تأثیر نیت بر فاعل و فعل اخلاقی گذشت، به نظر می‌رسد که تصویر صحیح از تأثیر نیت در ارزش اخلاقی از منظر ملاصدرا به صورت حلقه رفت و برگشتی از تأثیرات اعمال و علوم اخلاقی است که نیت اخلاقی به عنوان حلقه واسطه این ارتباط در تکامل مستمر همراه با علوم و اعمالی که سازنده آنند، خود معیار سنجش حسن و قبح فاعل و فعل و پشتوانه ارتباط ابعاد علمی و عملی است.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با توجه به تأثیر هر دو بعد علمی و عملی و فاعل و فعل، در ساخت نیت، آیا این دو تأثیر در یک درجه وجودی و قرین با یکدیگر است؟ به عبارتی آیا

هر دو به عنوان علت حقیقی ثبات اخلاقی مطرح می‌شوند یا باید تحلیل دیگری از میزان این تأثیر ارائه داد؟ باید گفت که ملاصدرا با وجود قبول هر دو این تأثیرها و تقدمشان در شکل‌گیری نیت، تقدم علم بر حالات قلبی و عمل را نظیر تقدم فاعل بر فعل خود می‌داند، در حالی که تقدم عمل بر حال قلبی و معرفت را نظیر تقدم قابل و دریافت‌کننده بر حالت و وصفی که می‌خواهد بپذیرد می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۰۳-۲۱۵؛ ملاصدرا، ۱۳۷۱، ص ۸۸؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۵، ص ۲۳۵).

به عبارتی، عمل مانند ماده خامی است که معرفت و تبت روح آن و در جایگاه مبادی صادرکننده آن به شمار می‌رود. ملاصدرا در این عبارت، جایگاه تأثیر عمل بر علم و تبت اخلاقی را بسیار تنزل می‌دهد و در حد علت قابل و پذیرنده صرف ابتدایی معارف و ثبات و در مراحل بعد به عنوان جهت‌دهنده و زمینه‌ساز ثبات و معارف می‌داند و این در مقایسه با دیگر عبارات او که از نقش عمل در ارزش اخلاقی سخن می‌گوید، در واقع، بیانگر حدود تأثیر هر دو نقش و تفوق ابعاد علمی وجود انسان بر افعال جوارحی آن است.

۴. نتیجه‌گیری

۱. حقیقت تبت از منظر ملاصدرا در بحث ارزش‌دهی اخلاقی به دو صورت عام و خاص، تحلیل می‌شود. در تعبیر عام، تبت به عنوان فعل نفس مطرح می‌شود که در نهایت، آشکار می‌شود که در کنشی فراگیر و مستمر با فعل و فاعل اخلاقی شکل می‌گیرد و متصف به حُسن و قُبْح می‌شود و خود، معیار سنجش حُسن و قُبْح می‌شود. در تعبیر خاص، خصوصاً غرض و انگیزه فعل اخلاقی مطرح می‌شود که با پیوند به فاعل به تحلیل عام، می‌پیوندد.

۲. مقصود از ارزش اخلاقی نیز بنا به تحلیلی که ملاصدرا از ارزش ارائه می‌دهد، حدود نقش تبت در اتصاف فعل و فاعل اخلاقی به حُسن و قُبْح و خیر و شر است. او هرچند معیارهای متنوعی برای سنجش ماهیت این صفات ارائه داده است، اما به نظر می‌رسد می‌توان همه این تفاسیر را مکمل هم و ناظر به عدم تنافر و سازگاری کامل احکام فطرت و عقل از سویی و شریعت الهی از سوی دیگر دانست. البته، با توجه به آثار عینی این صفات در جهت ارتقاء و تنزل نفس از جهت سازگاری و ناسازگاری با فطرت، عقل و شرع، می‌توان حُسن و قُبْح را با سزاوار ثواب و عقاب بودن نفس از جهت تجسم ابعاد مترقی و نازل نفس و یا همان تجسم ثبات نیز پیوند داد.

۳. در تأثیر و نقش نیت در ارزش اخلاقی باید به این مطلب توجه داشت که نظر ملاصدرا، امری ترکیبی است که از جهات و جوانب گوناگون تحلیل‌های متفاوت می‌پذیرد. به همین جهت، نیت از یک جهت می‌تواند در ارزش‌دهی اخلاقی مؤثر باشد و از سوی دیگر، خود، متأثر از ارزش‌دهی فعل و فاعل اخلاقی است.

۴. بر همین اساس، در تحلیل تأثیر نیت در فاعل اخلاقی، اگر فاعل را به معنای ظرف و محل، لحاظ کنیم، در واقع، ناظر به بُعد بالقوه بودن فاعل، نیت حاصل از علوم که خود از سنخ علم‌اند، سبب ارتقاء و تترّل نفس و حُسن و قُبْح آن می‌شوند، اما اگر فاعل را ناظر به جنبه اتحاد نفس با علوم در نظر بگیریم، در واقع، فاعل است که در جایگاه علت نیت به آن‌ها جهت می‌دهد. جنبه دیگر تأثیر نیت در فاعل، از جهت زمینه‌سازی است که اعمال بدنی در جهت شکل‌دهی به قلب، نفس، نیت و اعتقادات انجام می‌دهند که در نهایت، به تدریج زمینه دریافت معارف خاص را فراهم می‌آورد. حیث اول تأثیر نیت با مبنای اتحاد عالم و معلوم و حیث دوم تأثیر نیت از جهت اعمال بدنی با مبنای جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس و اتحاد نفس و بدن مرتبط است.

۵. کاربرد دیگر تأثیر نیت در ارزش اخلاقی، در فعل اخلاقی است که ناظر به هدف و غرض فعل است. البته، ملاصدرا در اینجا هم سطوح متفاوت تعبیری دارد و برای مثال، در یک سطح معتقد است که نیت روح عمل محسوب می‌شود که نشانگر این است که نیت در فعل مؤثر است. در سطح دیگر، ایشان نیت را به معرفت پیوند می‌زنند که نشان‌دهنده این است که روح عمل بودن نیت از جهت از سنخ معرفت بودن نیت است. در واقع، معارف و نیت فاعل اخلاقی است که در فعل مؤثر است و آن را متصف به حُسن و قُبْح می‌کند. این تعبیر تأییدی است بر نقش بینشی و گرایشی توأمان نیت. با توجه به همین تأثیر علوم در اعمال است که نیت خالص و صادق در افعال برای همه افراد قابل دسترسی نیست و افراد بر اساس درجه‌بندی علوم خود دارای سطوح متفاوت از نیت جهت‌دهنده به فعل می‌گردند.

در نهایت، بر اساس همین تحلیل در نسبت علم، نیت و عمل و بُعد بینشی و گرایش توأمان نیت باید در واقع، نیت را در ارزش‌دهی به فعل و فاعل اخلاقی با هم مؤثر دانست. البته، فاعل اخلاقی در اینجا نفس از حیث جهات بالقوه است که نیت از سنخ علم، به آن فعلیت می‌بخشند. عمل نیز بر پایه معرفت فاعل و نیت او شکل می‌گیرد.

۶. به نظر می‌رسد با توجه عبارات ملاصدرا که بر کنش و واکنشی بودن تأثیر نیات، بر علم و عمل تکیه دارد، افزون بر این که تیّت در ارزش‌دهی به فاعل و فعل اخلاقی مؤثرند و سبب حُسن و قُبْح فعل و فاعل می‌شوند، فاعل اخلاقی و فعل نیز در ساخت هویت تیّت و بالتبع ارزش‌دهی به آن مؤثرند. البته، باید توجه داشت که مقصود از فاعل در اینجا، حیث بالفعل نفس و قلب به‌واسطه اتحاد با علوم است. فعل اخلاقی هم در صورت استمرار و دوام سبب شکل‌دهی به اعتقادات و تیّت فاعل اخلاقی و در واقع، زمینه‌سازی دریافت معارف و تیّت خاص می‌شود. نکته مهمی که در این روند ارزش‌دهی فعل و فاعل اخلاقی باید در نظر گرفت این است که ملاصدرا هرچند نقش عمل را به عنوان زمینه‌ساز و مُعد پذیرش تیّت و معارف خاص می‌پذیرد، اما در عین حال، نقش اصلی آن را قابل و متأثر از علوم و تیّت می‌داند. او تأثیر اصلی در روند ارزش‌دهی اخلاقی را بر مبنای علوم، معارف و تیّت به عنوان علّت جهت‌دهنده به ابعاد عملی می‌داند.

فهرست منابع

- رهنما، علی. (۱۳۹۰). نقش نیت در ارزش فعل اخلاقی. مجله پژوهش‌های قرآنی، ۶۸، (۱۷)، ۱۹-۴.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۵۴). المبدأ و المعاد. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۰ ب). الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية. حواشی: هادی بن مهدی سبزواری. (چاپ دوم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۳ الف). اسرارالایات. (ترجمه: محمد خواجوی). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۳ ب). مفاتیح الغیب. (ترجمه و تعلیق: محمد خواجوی). تهران: انتشارات مولی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۶ الف). تفسیر القرآن الکریم. (چاپ دوم). قم: بیدار.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۶ ب). شرح اصول کافی، (ج ۱). (ترجمه و تعلیق: محمد خواجوی). (چاپ اول). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۶ ج). شرح اصول کافی، (ج ۴). تصحیح: محمد خواجوی. تحقیق: علی عابدی شاهرودی. (چاپ اول). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۷). شرح اصول کافی، (ج ۲). (ترجمه و تعلیق: محمد خواجوی). (چاپ اول). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۸۱). کسر أصنام الجاهلیة. (ترجمه: محسن بیدارفر). تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۴۲۲). شرح الهدایة الأثریة. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۹۸۱). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة. (حاشیة: علامه طباطبائی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (بی تا). إیقاظ النائین. تهران: انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- مصباح، مجتبی. (۱۳۹۱). نقش نیت در ارزش اخلاقی. مجله اخلاق و حیانی، ۱ (۲)، ۸۱-۱۰۴.

References in Arabic / Persian

- Mesbah, M. (2012). The Role of Intention in Ethical Values. *Revelatory Ethics*. 1. (2) 81-104.
- Rahnama, A. (2012 SH). The Role of Intention in the Value of a Moral Action. *Qur'anic Researches*. Qom: 17, (68), 4-19.
- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). (1354 SH). *Al-Mabda' wa al-Ma'ad* (the beginning and the end). Tehran: Iranian Islamic Philosophical Institute Publications.
- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). (1360 SH). *Al-Shawahid al-Rububiyyah fi Manahij al-Sulukiyyah*. Annotation by: Hadi bin Mahdi Sabzvari. Markaz-i Nashr-i Daneshgahi

- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). (1363 SH). *Asrar al-Ayaat* (secrets of the verses). Translated by: Muhammad Khwajuy. Tehran: Mu'assasa-i Mutale'at va Tahqiqat-i Farhangi.
- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). (1363 SH). *Mafatih al-Ghayb* (keys to the unseen). Translation and commentary by: Muhammad Khwajuy. Tehran: Mowla Publications.
- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). (1366 SH). *Sharh-i Usul al-Kafi* (a commentary on Usul al-Kafi), vol.1. Translation and commentary by Muhammad Khwajuy. Tehran: Mu'assasa-i Mutale'at va Tahqiqat-i Farhangi.
- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). (1366 SH). *Sharh-i Usul al-Kafi* (a commentary on Usul al-Kafi), vol. 4. Edited by: Muhammad Khwajuy. Research by: Ali Abedi Shahrudi. Tehran: Mu'assasa-i Mutale'at va Tahqiqat-i Farhangi.
- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). (1366 SH). *Tafsir al-Qur'an al-Karim* (a commentary of the Qoran). Qom: Bidar.
- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). (1367 SH). *Sharh-i Usul al-Kafi* (a commentary on Usul al-Kafi), vol. 2. Translation and commentary by: Muhammad Khwajuy. Tehran: Mu'assasa-i Mutale'at va Tahqiqat-i Farhangi.
- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). (1381 SH). *Kasr Asnam al-Jahiliyyah* (demolishing the idols of the periods of barbarism and man's ignorance). Translated by: Mohsen Bidarfar. Tehran: Bunyad-i Hikmat-i Islami-i Sadra.
- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). (1981). *Al-Hikmat Al Muta'aliyah fi al-Asfar al-'Aqliyyat al-Arba'a* (the Transcendent theosophy in the Four Journeys of the Intellect). Annotation by: Allamah Tabatabai. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-'Arabi. 3rd ed.
- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). (n.d.). *Eiqaz al-Na'imin*. Tehran: Iranian Islamic Philosophical Institute Publications.
- Shirazi, S.M. (Mulla Sadra). *Sharh al-Hidayat al-Athiriyah*. Beirut: Mu'assasat al-Tarikh al-'Arabi.